

آمریکا، مسؤل نابودی غیر نظامیان عراقی

خواهند گرفت. علت عدم صراحت آمریکاییان در باره ضرورت تخلیه، در بیمی است که از تفسیر آن دارند. بیم آن است که حمل بر ضعف آمریکا شود. **بیم آن است که تروریست‌ها تشویق شده خود را فاتح قلمداد کنند.** ژنرال جون وین J. NINES فرمانده نیروی زمینی گفته است توسعه زیادی قوا و حضور چشمگیر ارتش، احساسات ضد آمریکایی را بر می‌انگیزد و موجب تقویت شورش‌ها می‌شود. حقیقت این است که وقتی یک مرد عراقی بخواهد میان آمریکایی اشغالگر و عراق شورشگر انتخاب کند مسلماً به عراقی شورشی متمایل می‌شود. اما وقتی عراق از اشغال در آید عراقی شورشی و عراقی غیر شورشی ناگزیر با هم روبه‌رو می‌شوند و بسیار احتمال دارد که انگ تردید بر تروریسم زند. در محافل عرب مسلمان بدون تردید تمایل به مبارزه علیه تروریسم وجود دارد. ولی در شرایط کنونی این تمایلات ابداً میدان عمل پیدا نمی‌کنند. بر عکس نگرانی بزرگ جامعه مسلمان عرب این است که هر روز جوانان و مسلمانان بیشتری به تبلیغات سازمان‌های تروریستی توجه می‌کنند. در چنین جوی جامعه مسلمان به تعبیری که واشنگتن و لندن از امر تخلیه عراق می‌کنند اعتنا ندارند. **آنها معتقدند که هر گاه اشغالگر**

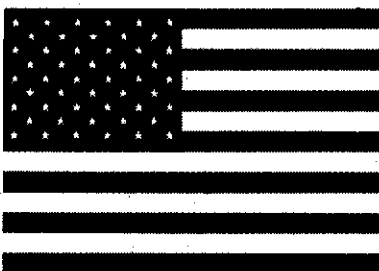
انتخاباتی اخیر تونی بلر به این مهم بپردازد تا دور سوم حکومتش جان از مهلکه بدنامی تاریخ بدر برد.

اما برابر گزارش وزیر جنگ انگلستان تعداد نظامیان انگلیسی اعزام شده به عراق تا ماه جون ۲۰۰۶ از ۸۵۰۰ نفر به ۳۰۰۰ نفر تقلیل داده خواهند شد. ولی قبل از این اقدام از ماه اکتبر ۲۰۰۵ در مناطق اشغالی جنوب عراق قدرت به ارتش عراق منتقل خواهد شد و مناطق جنوب شرقی ذیقار و بصره از قوای انگلیسی تخلیه خواهند شد.

آمریکا و طرح خروج از عراق

آمریکاییان نیز در حال آخرین مطالعات برای تخلیه تدریجی عراق هستند در آغاز سال ۲۰۰۶ قرار است در چهارده استان از هجده استان اشغال شده امور را به دست عراقیان بسپارند و عدد نفر نظامیان آمریکا از ۱۷۶ هزار نفر به ۶۶ هزار نفر تقلیل داده شود. این تقلیل نفر نظامیان آمریکایی موضع گروه نظامیان ژاپنی و استرالیایی مستقر در عراق را تضعیف می‌کند و این خطر را وزیر دفاع نیز تأیید می‌کند.

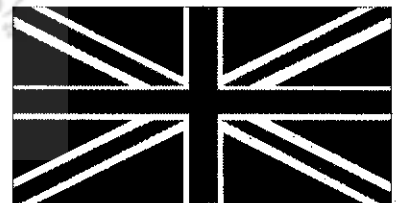
مجله Gilly sitkon-Marianne شماره ۲۲ جولای ۲۰۰۵. هنوز واشنگتن و پنتاگون نظر روشنی در باره بیرون کشیدن قوای خود نداده‌اند ولی اظهار دونالد رمسفلد روشنگر این است که در این باره اندیشیده‌اند. او می‌گوید: **شورش‌ها را خود عراقیان کم و کمتر خواهند کرد. یاغیان همیشه به وسیله مردم خود هر سرزمین مغلوب می‌شوند.** می‌شود گفت که اگر آمریکاییان واقعا عراق را همراه متحدان خود تخلیه کنند مردم عراق رویاروی مردم عراق قرار



انگلستان و طرح خروج از عراق

جون رید John Reid وزیر دفاع انگلستان طی یک گزارش محرمانه و مستقیم به نخست‌وزیر این کشور توصیه کرده است تا سیاستی بدون ابهام، در باب حضور سربازان بریتانیایی در عراق پیش گیرد. به این معنی که قوای نظامی انگلستان طی دو مرحله، عراق را ترک کنند. **این گزارش محرمانه و مستقیم که بر آن قید شده است هیچ غیر بریتانیایی آن را نبیند** فردای انفجارات اخیر لندن ۸ و ۲۱ جولای ۲۰۰۵ در جراید انگلیس نقل و صحت آن تصدیق شد.

این واقعه نشان از دو چیز دارد یکی آن که دولت انگلستان مدت‌هاست مساله ترک عراق را مطالعه می‌کند. دوم آن که **تونی بلر** با استفاده از



فرصت "انفجارات اخیر" افکار عمومی را آرام و دولت خود را آماده این برنامه می‌سازد. به یاد آوریم که فردای آن فاجعه افکار عمومی علیه سیاست تونی بلر شد و حتی گاردین طی مقاله‌ای آن را **"بهای اشغال عراق"** دانست. علاوه بر این مخالفان بلر در مجلس عوام و رسانه‌ها هرگز اشتباه عمد یا غیر عمد نخست‌وزیر را در تصمیم به اعزام قشون به عراق نبخشیدند و در فرصت مناسب او را تضعیف کردند. پس طبیعی است که بعد توفیق



برود شکست او همان وقت است و چه کسی می‌تواند باور کند که اشغال عراق برای لندن و واشنگتن پیروزی به بار آورده است. به یک نگرانی دیگر هم باید توجه کرد. **مسلمانان عرب و پاکستان و افغانستان و غیره که تبعه انگلیس، آمریکا، کانادا و استرالیا شده‌اند** از پس ترورها و انفجارات در کشور میزبان خود مورد نفرت عامه غیر مسلم قرار دارند. بسیاری از خانواده‌ها خونسردی خود را از دست داده و به برهان‌هایی متوسل می‌شوند که بی سابقه است. مثلا می‌گویند با توجه به نفرت‌ها، تحقیرها، بیکاری و فشار روانی ترجیح می‌دهند فرزندان آنها به اردوی القاعده بپیوندند تا جذب جامعه... و هم جنس‌باز شوند. این روحیه در بین مسلمانان انگلستان و کانادا مشاهده شده است: از نوشته‌های فائل مرگی R.Mergui کانادایی و توماس والیر TH.Vallieres در مصاحبه با مسلمانان پاکستانی الاصل.

بیان یک ائتلاف برای اشغال

حاصل آن ائتلاف به جهت اشغال عراق چه بود؟ این همه اشتباه از سوی دو کشور بزرگ سردمدار جهان غرب که داعیه دفاع از حقوق بشر و گسترش دموکراسی در جهان داشته و دارند شگفت‌آور است. بهانه‌های پوچ برای ساقط کردن رژیم عراق صدام حسینی منتهی شد به آن‌جا که تونی بلر و واکر بوش، متهم شوند به پرده پوشی و بی‌خبری از سوی مردم خود. اگر هر دو انتخابات آخرین خود را بردند ریشه در مسایل داخلی دارد نه مهارت‌هایی در سیاست خارجی.

اما تنها از نظر انسانی: برابر اسناد منتشر شده از سوی (IRAQ Body Count) از بعد حمله آمریکا و انگلستان به عراق تنها ۲۵۰۰۰ نفر عراقی غیر نظامی در ماه مارس ۲۰۰۳ کشته شده‌اند. یعنی ۳۴ نفر در روز. این اعداد که تخمینی‌اند مبتنی بر ده هزار گزارش رسانه‌ها که طی سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۵ به چاپ رسیده است. وزارت داخله عراق مدعی است که از ماه جولای ۲۰۰۴ تا ماه می ۲۰۰۵ نزدیک ۸۱۷۵ عراقی کشته شده‌اند، کشته شده‌ها برابر گزارش سازمان شمارش نفر عراقی تنها در شهر بغداد ۳۷ درصد کشته شده‌های غیر نظامی به وسیله نیروی نظامی اشغالگر تحت

فرماندهی آمریکا انجام شده است. درصد جنایتکاری به ۳۶ درصد رسیده است و تنها ۹ درصد نابود شده‌ها به وسیله یاغیان از بین رفته‌اند. رجا حبیب‌الخدایی نماینده مجلس جدیدالولاده عراق می‌گوید: **خیال می‌کردیم با استقرار دولت جدید ثباتی پدید می‌آید عکس آن به ظهور رسید.** اکنون ماهها پس از سقوط عراق، بغداد متزلزل‌تر از همیشه است. خشونت، همه طبقات و همه گروه‌های سنی و همه اقوام و مذاهب را در بر گرفته است.

اگر گزارش Iraq Body Count را معتبر بدانیم به این نتیجه می‌رسیم که **مسئول نابودی غیر نظامیان آمریکاست.** نخست‌وزیر عراق ابراهیم جعفری در مذاکره با فرماندهان قوای اشغالگر است مگر بتواند قتل عام مردم غیر نظامی را به طریقی جبران کند. پارلمان عراق نیز مشغول بررسی است تا شاید بتواند به بازماندگان قربانیان تروریسم کمک رساند. مقتدا صدر خواهان خروج فوری نیروهای اشغال‌گر است. شمار نفر این قربانیان به بیش از ۱۲۸۱۱ بالغ شده است (آمار ماه جولای ۲۰۰۵). وضع عراق بسیار معشوش است. ولی محافل نفتی معتقدند وقتی تولید نفت به ۲/۳ میلیون بشکه در روز برسد وضع رو به راه می‌شود. اقتصاد عراق از صفر شروع کرده است. اما برابر نشریه اقتصادی اکونومیست احساس خوش بینی نمی‌شود.

◀◀ بهتر است دول

بزرگ به جای

طرح‌های خیالی از

جمله خاورمیانه

بزرگ، به مطالعات

عمیق‌تر دست زنند.

خاورمیانه، نه

آمریکایی می‌شود و

نه انگلیسی و نه غیره

این سرزمین بزرگ را

باید شناخت. نقشه

شناخت ذخایر نفتی

کافی نیست. همه چیز

را از نو باید دید ■



روزنامه The Friday Times چاپ لاهور
موشکافی بسیار در باب فاجعه های اخیر در
انگلستان دارد و معتقد است بنیادگرایان اسلامی
از ایدال های انقلاب های سیاسی و انتقام ها و
عقده های اجتماعی تغذیه می شوند. همچنین به
امر اشغال و تجاوز به حقوق دیگران اشاراتی عمیق
دارد. محافل هند و پاکستان معتقدند تروریسم با
استفاده از جو داخلی آمریکا و انگلستان تقریباً به
عملیات گسترده تری دست می زنند. این پیش بینی
در انگلستان و در شرم الشیخ نشانه ای به دست
آورده است.

بهتر است تا دول بزرگ به جای طرح های
خیالی از جمله خاورمیانه بزرگ به مطالعات
عمیق تر دست زنند. خاورمیانه نه آمریکایی
می شود و نه انگلیسی و نه غیره. این سرزمین
بزرگ را باید شناخت. نقشه شناخت ذخایر نفتی
کافی نیست. همه چیز را از نو باید دید.

ریشه درد

آمریکا مبالغ هنگفتی که سر به میلیاردها دلار
می زند کمک نظامی و غیر نظامی به بعضی
کشورهای خاورمیانه می کند تا این قدرت بزرگ
را در مبارزه علیه تروریسم مدد دهند. از جمله به
کشور پاکستان. چگونه است که نمی بینند نه
مشرف (پرویز) و نه دیگران، قادر به کمترین کمک
در راه قلع و قمع القاعده نیستند. زیرا دولت پاکستان
هرگز جرات نکرده تا دست به ترکیب سلسله
مجاهدین بزند و مدارس وهابی مرتباً محصولات
تازه به بازار می فرستند رجوع کنید به مقالات امیر
میر در روزنامه NEWSLINE چاپ کراچی و
دیگر جراید معتبر آن سامان. در همه کشورهای
بزرگ از جمله در آمریکا و انگلستان از سال های
۱۹۶۵ به بعد مهاجران مکتب دیده پاکستانی مستقر
شده اند.

از سال های ۱۹۷۰ مهاجران مکتب دیده تری به
سراسر امیرنشین های خلیج فارس رفته و استقرار
یافته اند. مدارس مذهبی تحت نظر کیست و از
کجا تغذیه می شوند؟ این ماشین عظیم نیاز به
بازشناسی دارد. چه آمریکا از عراق برود و چه در
آن جا باز هم بماند و مساله آفرینی کند لازم است
ریشه های این پدیده بزرگ شناخته شود. تنها در
این صورت است که دموکراسی های بزرگ کسب
آبرویی تازه خواهند کرد.

تمامی اقدامات چهار سال اخیر آمریکا در
خاورمیانه به سود کشورهای تمام شد که به محور
شرارت در خاورمیانه معروف شدند. ایران به بهانه
تشیع نفوذش گسترده تر شده است و همکاری ایران
و عراق و دیگران امری ضروری شناخته شده است.
در لبنان شیعیان وارد حکومت شدند و در عراق در
متن حکومت اند. و هیچ جا ثابت نشده و یافته
نشده که شیعیان در ترورها سهمی داشته باشند.
به عکس همه جا سنیان افراطی وابسته به مکاتبی
که منشعب و حتی پرورده سعودی و وهابون است
مورد اتهام اند. محاسبات آمریکا از بیخ و بن به
دلیل پرده پوشی بر گذران کشور عربستان اشتباه
بوده است. در سراسر جهان اسلام مدارس قرآنی
از اعانات عربستان سعودی به بهانه تحکیم میانی
شریعت تغذیه شده اند و پیش از همه در پاکستان و
در افغانستان. پس لازم بود به سر چشمه شرارت
توجه می شد.

حرکات فاجعه آفرین تروریست ها در انگلستان
و مصر نظم و نبض مذاکرات را هم بر هم زده
است. در آمریکا بسیاری از رسانه ها این بحث را
پیش کشیده اند که آزادی بیان به بهانه جنگ
عراق و افغانستان خدشه برداشته است
و این اصل مهم قانون اساسی زیر پای مقررات
مربوط به درگیری، در عراق حرمت خود را ندارند.

تاریخ آمریکا و انگلستان به خود
تخصیص نخواهد داد. به جز این محبوبیت
توسط دست آمریکا و انگلستان لطمه بسیار به
پیشرفت در مذاکرات با دول منطقه زده و خواهد
زد. در حال حاضر ابتکار عمل به دست یاغیان
اقتاده است. به طوری که تلاش میهن پرستان
عراق زیر ابر نفرت تروریسم قرار گرفته است. به
هر صورت لشکرکشی های بی مطالعه بوش به
عراق و افغانستان به بهانه مبارزه با تروریسم به
اهداف خود نرسید بلکه اشغال سرزمین ها بهانه
گسترش آن در اروپا و خاورمیانه شد.

طرح هایی مثل طرح خاورمیانه بزرگ
نسنجیده از آب در آمدند زیرا واقعیات
جغرافیایی و تاریخی و ویژگی های ملل
و مذاهب و مکاتب دینی در آنها ملحوظ
نشده بود.

آنچه ابدا در این هجوم گسترده به
حساب گرفته نشد میزان میهن دوستی
ملل این سرزمین ها بود.

امروز بی طرف ترین رسانه ها هم انگشت
اتهام به سوی آمریکا و انگلستان دراز می کنند
زیرا مردم همه جا از فشار تروریسم و عدم امنیت
و اشتباهات این دو دولت بزرگ و دنباله روهای
آنها به ستوه آمده اند.